

رب يسر بسم الله الرحمن الرحيم وتم بالخير

الحمد لله المتفرد بكبريائه وعظمته المتوحد بتعاليه

وصمد به الذي قص اجنه العقول دون فهم عزه
بيننا نرى

ولم يجعل البين الى معرفته الا بالاعجاز عن معرفته

قص السنة الفصحاء عن الشراء على جمال حضرة الالباء الشريفة

به على نفسه واحصى من اسمه وصفته والصلوة على محمد خير

خليقته وعلى الله واصحابه وعترته اما بعد فقد ساء لى
اهل بيته

اخ ما في الله تعالى يتعبد في الدين اجابته شرح معاني

اسماء الله تعالى الحسنى وتواردت على السوطة نثر في فلم

ازلا اقدم منه وجللا واخر اقرى تروى بين الانقياد لاقتضائه

قضاء الحق اخاؤه وبين الاستعفاء عن التماسه اخذ بسبيل

نكسبنا

في القرآن من ذكر الوجه واليد والنفس فهو له صفة

اي الحق سبحانه
اي الحق سبحانه
اي الحق سبحانه

بلا كيف اي اصلها معلوم ووصفها مجهول لنا

اي الحق سبحانه
اي الحق سبحانه
اي الحق سبحانه

فلا يبطل الاصل المعلوم بسبب التشابه والجزء من

لنا عن ادراكه
لنا عن ادراكه
لنا عن ادراكه

الوصف روي عن احمد بن حنبل انه ان الكيفية مجهول

اي الحق سبحانه
اي الحق سبحانه
اي الحق سبحانه

والبعث من هادئة ولا يقال ان يده قد تم او لم

اي الحق سبحانه
اي الحق سبحانه
اي الحق سبحانه

لان فيه اي في هذا القول ابطال الصفة التبدل عا

اي الحق سبحانه
اي الحق سبحانه
اي الحق سبحانه

من نبوتها القرآن وهو اي ابطال الصفة قول اهل القدر

اي الحق سبحانه
اي الحق سبحانه
اي الحق سبحانه

كما عاين
بعض الخلفاء
للسلف
بما عاين
بعض الخلفاء
للسلف
بما عاين
بعض الخلفاء
للسلف

زین احادیث مشکوٰۃ چند امر به ثبوت میرسد اول اینکه خود در وقت محمد آیت را شخصی بطوری
 بطوری دیگر خوان بود دوم اینکه قرآن در وقت محمد در یک جلد مجتمع نشده بود بلکه ابو بکر بعد از
 محمد برای جمع آن حکم داد حال آنکه ابو بکر از محمد برای این کار مامور نشده بود بلکه صرف از راه
 سنت چنین کرد که مباد آیات گم نشوند سوم اینکه عثمان بر سخت خلافت نشسته جماعتی را که مردم در
 قرآن فرق و اختلاف می کنند ترسید که در قرآن خرابیها واقع نشود پس زیر و غیره را جمع کرد
 آن باز صحیح کند و همه آیات را حسب الحجز قریش بنویسد چهارم اینکه جمیع نسخ سابقه جمع
 به بسوخت و از نسخ جدید نسخهای دیگر نقل نموده در هر مقام فرستاد و آنرا عثمان بن عفان
 هم که عثمان بر نسخهای سابقه را بسوخت اگر آن نسخ جدیدی که او مشهور کرده بود و آنرا
 متصل است با نسخهای سابقه در مضمون و الفاظ بعینه برابر و مطابق بود و محض ترتیب و ترکیب
 است و مورد بطور دیگر کرده بود پس بچسب آنرا بسوخت بلکه ضرر بود که از آنجمله بعضی را نگاه میداشت
 کسی بگوید که قرآن را تغییر داده پس آن نسخه قدیمه پیش نظرش بگذار و بگوید که چنین این
 نسخ سابقه را و مقابل بکن تا بتو معلوم کرد که این قرآن در مضمون و الفاظ با نسخ سابقه موافق
 مطابق است لیکن در حالیکه عثمان چنین کرد بلکه جمیع نسخ سابقه را بسوخت پس هیچ کمان نمیداد
 اینکه از نسخ سابقه هر واحد بطرز دیگر بوده است یا اینکه جان شیعیه می گویند که عثمان قرآن
 نقصان کرده در بعضی آیات تغییر و تبدل نموده است و از آن نسخ که نزد حفصه ماند و عثمان
 باز داده بود و بچسب خری نیافت و باز آنرا ندید شاید عثمان بسوختن نیز حکم داده باشد و اگر
 کسی از صحابه است پس آنرا ظاهر کند تا با قرآن موجوده مقابلش کرده شود معلوم